



واکاوی راهبردهای هدایتی قرآن برای بهسازی منابع انسانی

محمد شریفانی^۱، محمد معرفت^{۲*}

۱-دانشیار و عضو هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی؛ sharifani40@yahoo.com

۲* - نویسنده مسؤول، استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال؛ m.marefat@iau-tnb.ac.ir

اطلاعات مقاله	چکیده
تاریخچه مقاله	هدف: هدف اصلی از ارائه این مقاله جلوگیری از زیان‌های ناشی از نیروی انسانی با به حداقل رساندن چالش‌های موجود از طریق بازشناسی و ترویج راهبردهای هدایتی قرآن کریم برای بهسازی منابع انسانی است.
دریافت:	روش‌شناسی: روش تحقیق این پژوهش توصیفی و تحلیلی، و مطالب آن به صورت کتابخانه‌ای و استفاده از منابع اینترنتی جمع‌آوری شده است.
۱۴۰۱/۴/۴	یافته‌ها: در این مقاله راهبردهای هدایتی قرآن کریم برای بهسازی منابع انسانی، از آیه ۲۳ سوره زمر استخراج و در جهت بهبود بازده و افزایش اثربخشی و رشد بهره‌وری سازمان‌ها مورد بررسی و تحلیل قرار گرفت. راهبردهایی مانند: «منبع معتبر و بی‌نقص»، «محتوای قابل فهم و مفید»، «نوآوری و ابتکار»، «قانونمندی و نظم»، «تشابه و همسانی»، «تکرار شوق‌انگیز»، «اثرگذاری» و «آرامش». فرایند استخدام، شاخص‌های گزینش نیروی انسانی، نیازسنجی علمی برای تأمین نیرو، آموزش‌های برون و درون سازمانی، وفادارسازی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی در بخش منابع انسانی، فرهنگ و رفتار سازمانی، نگهداشت نیروها و شاخص‌های ارزیابی عملکرد، از جمله چالش‌ها و مشکلات مؤسسات و شرکت‌ها در حوزه منابع انسانی هستند.
پذیرش:	نتیجه‌گیری: قرآن کریم راهبردهای هدایتی گوناگونی جهت ساماندهی و سازماندهی منابع انسانی و رفع مشکلات و چالش‌های موجود ارائه داده است. بهسازی نیروی انسانی سبب می‌شود تا کارکنان بتوانند هماهنگ با دگرگونی‌های سازمانی و تغییرات محیط به شکل اثرگذار فعالیتشان را استمرار دهند و بر کارایی و سودمندی خود بیفزایند.
۱۴۰۱/۶/۲۷	
(مقاله مروری)	
	کلمات کلیدی: هدایت، راهبردهای هدایتی، منابع انسانی، نیروی انسانی، بهسازی منابع انسانی.

مقدمه

امروزه مسائلی مثل تولید، رقابت و رشد درآمد و گردش پول مورد توجه صاحبان مشاغل و صنایع بزرگ و کوچک و تیم‌های آنهاست. در کنار این مسائل، حوزه دیگری وجود دارد که بسیاری از شرکت‌ها و مؤسسات با چالش‌های آن دست‌وپنجه نرم می‌کنند و آن، حوزه مدیریت منابع انسانی است. منابع انسانی، اساسی‌ترین سرمایه و با ارزش‌ترین عامل تولید و رشد برای هر سازمان به شمار می‌رود که مهم‌ترین نقش را در دستیابی به اهداف برنامه راهبردی و اعتلای آن سازمان دارا می‌باشد؛ عملکرد نیروی انسانی سنگ بنای کامروایی یا ناکامی هر سازمان است. ضرورت و اهمیت بهسازی و بهبود منابع انسانی بر کسی مخفی نیست؛ از این رو یکی از مهم‌ترین برنامه‌ریزی‌ها در سازمان‌ها، ارائه راهبردهای هدایتی جهت ساماندهی و سازماندهی منابع انسانی است. باید راهبردهای عملی برای آن ارائه کرد و در عمل نیز از آنها استفاده کرد.

بازشناسی مشکلات نیروی انسانی کمک شایانی به رفع نقاط ضعف و نواقص موجود و در نتیجه تحقق اهداف سازمانی و بهبود کسب و کار می‌کند؛ به طور کلی، فرایند استخدام، شاخص‌های گزینش نیروی انسانی، نیازسنجی علمی برای تأمین نیرو، آموزش‌های برون و درون سازمانی، وفادارسازی نیروی انسانی، برنامه‌ریزی در بخش منابع انسانی، شاخص‌های ارزیابی عملکرد، فرهنگ و رفتار سازمانی و نگهداشت نیروها و ریزش مداوم، از جمله مشکلات مؤسسات و شرکت‌ها در حوزه نیروی انسانی می‌باشند. چالش‌های موجود در بخش منابع انسانی نشانگر آن است که صاحبان مشاغل اهمیت و حساسیت این حوزه را به خوبی احساس نکرده و اهمال در آن موجب اتلاف زمان، هدر رفت سرمایه و تحمیل هزینه‌های گزاف شده است.

هدف اصلی از ارائه این مقاله جلوگیری از زیان‌های ناشی از نیروی انسانی با به حداقل رساندن چالش‌های موجود از طریق بازشناسی و ترویج راهبردهای هدایتی قرآن کریم برای بهسازی منابع انسانی است. خداوند سبحان در قرآن کریم به شرح ویژگی‌های هدایتی پرداخته که قابل تعمیم به تمام شئون زندگی انسان است. عالمان و اساتید بشر که اگر بخواهند هادی و راهنما باشند باید متصف به این اوصاف شوند؛ همچنین بایسته است رئیس‌ان و مدیران برای بهسازی منابع انسانی، نسبت به کارمندان و کاربران خود، این راهبردهای هدایتی را اعمال نمایند. پروردگار متعال می‌فرماید:

اللَّهُ نَزَلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مَّتَشَابِهًا مَثَانِي تَقْشَعِرُّ مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَلِكَ هُدًى لِّلَّهِ يَهْدِي بِهِ مَن يَشَاءُ وَمَن يُضَلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ.^۱

خداوند بهترین سخن را نازل کرده؛ کتابی که آیاتش [از نظر لطف، زیبایی، عمق و محتوا] همانند یک‌دیگرند؛ آیاتی مکرر [با تکراری شوق‌انگیز] دارد که از شنیدنش لرزه بر اندام کسانی که از پروردگارشان می‌ترسند می‌افتد؛ سپس برون و درونشان نرم و متوجه ذکر خدا می‌شود؛ این هدایت الهی است که هر کس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند، و هر کس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود!

این پژوهش که می‌خواهد راهبردهای هدایتی را برای بهسازی منابع انسانی از طریق آیه بالا مورد بررسی قرار دهد، می‌تواند برای حل مشکلات صنایع در بخش نیروی انسانی کمک کننده باشد.

معناشناسی هدایت

هدایت در لغت به معنای دلالت، ارشاد، رهنمود و راهنمایی است (Dehkhoda, 1385, 2: 3158)، و در اصطلاح به دو گونه صورت می‌گیرد:

ا. ارائه طریق و نشان دادن راه دستیابی به مقصد که از آن به «هدایت تشریحی» یاد می‌شود؛ به این معنا که قوانینی که مایه سعادت انسان باشد از طریق رسالت انبیا ارائه می‌گردد.

ب. ایصال به مطلوب و رساندن راهیان به مقصد که از آن به «هدایت تکوینی» تعبیر می‌شود و عبارت است از دستگیری قدم به قدم از عبد سالک و رساندن او به مقصد (Javadi Amoli, 1388, 16: 21).

^۱. زمر (۳۹)، ۲۳.

اهمیت هدایت

مسأله هدایت، از اساسی‌ترین مسائلی است که در آیات و روایات فراوان بر آن تأکید شده است؛ برای نمونه، بر پایه آیه «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، اولین تقاضای انسان از خداوند متعال «هدایت» است؛ همچنین طبق آیه «وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى»،^۲ خداوند متعال، هدایت هدایت‌یافته‌گان را زیاد می‌کند؛ نیز بر اساس روایت پیامبر اکرم(ص) که فرمود «يَا عَلِيُّ! لَا تُقَاتِلَنَّ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ وَ إِيْمُ اللَّهِ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَى يَدَيْكَ رَجُلًا خَيْرٌ لَكَ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ وَ غَرَبَتْ وَ لَكَ وَ لَأُوْهُ» (Kolayni, 1407, 5: 28)، پاداش هدایت‌گران رضایت‌الاهی خواهد بود؛ همچنین مطابق با کلام امام صادق(ع) که فرمود «مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ ضَلَالٍ إِلَى هُدًى فَكَأَنَّمَا أَحْيَاهَا وَ مَنْ أَخْرَجَهَا مِنْ هُدًى إِلَى ضَلَالٍ فَقَدْ قَتَلَهَا» □ (Kolayni, 1407, 2: 210)، هدایت‌انسان همچون حیات دادن به او است.

راهبردهای هدایتی قرآن

خداوند متعال در آیه ۲۳ سوره زمر به شرح هشت ویژگی هدایتی قرآن کریم می‌پردازد که عبارتند از:

منبع معتبر و بی‌نقص

واژه «الله» در آیه ۲۳ سوره زمر دلالت بر مصدریت هدایت دارد. هدایت مخصوص خداوند است «وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^۵ و به غیر او هادی وجود ندارد «لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَ لَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ». هدایت خداوند از نوع تکوینی، اصیل و بالذات است و هدایت دیگران از شئون هدایتی خدا است که موارد ذیل از همین دسته‌اند:

أ. هدایت قرآن: «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»؛ (برای مطالعه آیات بیشتر در همین مضمون ر.ک: بقره/۹۷ و ۱۸۵)

ب. هدایت سایر کتب آسمانی: «أَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَ الْإِنْجِيلَ * مِنْ قَبْلُ هُدًى لِلنَّاسِ»؛^۸

ج. هدایت پیامبر اسلام(ص): «إِنَّكَ لَتَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»؛^۹

د. هدایت عالمان بشری: «وَ مِنْ قَوْمٍ مُوسَى أُمَّةً يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَ بِهِ يَعْدِلُونَ».^{۱۰}

۱. فاتحه (۱)، ۶: «ما را به راه راست هدایت کن».

۲. مریم (۱۹)، ۷۶: «آنان که هدایت یافته‌اند، خدا بر هدایتشان می‌افزاید».

۳. ای علی! هرگز با کسی جنگ نکن؛ مگر این که قبلاً او را به مسیر حق و هدایت دعوت کرده باشی. به خدا سوگند اگر خداوند به وسیله تو و با دست تو

انسانی را هدایت کند برای تو بهتر است از آنچه که آفتاب بر آن طلوع و غروب می‌کند و تو بر او (انسان هدایت شده) برای همیشه ولایت داری.

۴. هرکس او را از گمراهی به سوی هدایت ببرد گویا او را زنده کرده، و هرکس او را از هدایت به سوی گمراهی ببرد، گویا او را کشته است.

۵. بقره (۲)، ۲۱۳: «خدا هرکس را بخواهد، به راه راست هدایت می‌کند».

۶. بقره (۲)، ۲۷۲: «هدایت آن‌ها [به‌طور اجبار] بر تو نیست؛ بلکه خداوند، هرکس را بخواهد [و شایسته بدانند] هدایت می‌کند».

۷. اِسْرَاءُ (۱۷)، ۹: «قطعاً این قرآن به راهی که استوارترین راه‌ها است، هدایت می‌کند».

۸. آل عمران (۳)، ۳-۴: «[خداوند متعال] تورات و انجیل را پیش از قرآن برای هدایت مردم فرستاد».

۹. شوری (۴۲)، ۵۲: «مسلماً تو [به خوبی] به راه راست هدایت می‌کنی».

۱۰. اعراف (۷)، ۱۵۹: «از قوم موسی گروهی هستند که به سوی حق هدایت می‌کنند و به حق و عدالت داوری می‌نمایند».

راهبرد هدایتی واژه «الله»

شخص راهنما اولاً باید هر آنچه می‌گوید از منبع معتبر و بی‌نقص باشد؛ همچنان که رمز جاودانگی قرآن مصدر اعلی بودن است؛ «مَنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ»^۱ ثانیاً با تکیه و توسل بر خدا و نیت صادق وارد عمل شود؛ «قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۲.

محتوای قابل فهم و مفید

واژه «نَزَلَ» در آیه ۲۳ سوره زمر دلالت بر ضرورت ارائه محتوای قابل فهم و مفید برای هدایت دیگران دارد؛ چراکه قرآن کریم، کتاب هدایت انسان‌ها در همه اعصار است؛ «وَمَا هِيَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْبَشَرِ»^۳؛ در نتیجه:

أ. قرآن، برای عموم جهانیان سخن می‌گوید تا همگان از آن بهره‌مند شوند؛ پس باید برای همه قابل فهم باشد تا بهانه‌ای برای رویگردانی از صراط سعادت‌بخش وجود نداشته باشد.

ب. هیچ‌کس از راهبردهای قرآن بی‌نیاز نیست؛ زیرا نزول چیزی که مفید نباشد یا نزول برای کسی که نیاز نداشته باشد بی‌معنا است.

قرآن کریم حقیقتی است که از جانب پروردگار متعال بر بشر نازل شده است. آیاتی همچون «تَنْزِيلٌ مِنَ رَبِّ الْعَالَمِينَ»^۴ و «تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ»^۵ منشأ نزول قرآن را معرفی می‌نمایند.^۶

تنزل اشیا از مکان بالا، بر دوگونه است: به شکل تجافی و به شکل تجلی. اشیا مادی و جسمانی همچون نزولات جوی به شکل تجافی فرود می‌آیند؛ یعنی جایگاه پیشین تهی می‌گردد؛ اما تنزل قرآن به شکل تجلی است و با فرود آمدن، جایگاه اصلی خود را تهی نمی‌کند؛ بلکه جلوه رقیق آن در مراحل نازل تر تحقق می‌یابد؛ چراکه قرآن کریم درباره خداوند دوگونه تعبیر دارد؛ گاهی از «ذَلِكْ» برای اشاره به دور استفاده می‌کند و چنین می‌فرماید «ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ»،^۷ و گاهی می‌فرماید «هُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ»^۸ یا «وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ»^۹ که به معنای نزدیکی خدا است. در مورد قرآن نیز همین تعبیر وجود دارد؛ در

۱. هود (۱۱)، ۱: «قرآن، از نزد خداوند حکیم و آگاه [نازل شده] است».

۲. انعام (۶)، ۱۶۲: «بگو: نماز من و [سایر] عبادات من و زندگی و مرگ من، همه برای خداوند پروردگار جهانیان است».

۳. مدثر (۷۴)، ۳۱: «قرآن، جز وسیله تذکر برای انسان‌ها نیست».

۴. واقعه (۵۶)، ۸۰: «قرآن، از جانب پروردگار جهانیان نازل شده است».

۵. غافر (۴۰)، ۲: «قرآن، کتابی است که از جانب خداوند قادر و دانا نازل شده است».

۶. همچنین آیات دیگر: علق (۹۶)، ۳-۴؛ آل عمران (۳)، ۲-۳.

۷. انعام (۶)، ۱۰۲.

۸. حدید (۵۷)، ۴.

۹. بقره (۲)، ۱۸۶.

ابتدای سوره بقره می‌فرماید: «ذَلِكَ الْكِتَابُ لَارْيَبَ فِيهِ»^۱ و گاهی به اشاره نزدیک می‌فرماید «إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ»^۲؛ آسراین دوگانگی آن است که قرآن دارای مراتب است و با نزول، رتبه عالی خود را از دست نمی‌دهد.

دلایلی برای اثبات قابل فهم بودن قرآن وجود دارد. برخی از آن‌ها عبارتند از:

ا. در آیه «وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِثْلِهِ»^۳ پیامبر اکرم (ص) برای اثبات حقانیت قرآن و رسالت خود، انسان‌ها را به آوردن کتابی همانند قرآن به هم‌وردی طلبیده است که لازمه این هم‌وردی قابل فهم بودن قرآن است.

ب. خداوند در آیه «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَىٰ قُلُوبٍ أَفْعَالُهَا»^۴ تدبیر در آیات را هدف نزول قرآن دانسته است، و امیرمؤمنان علی (ع) در روایت «أَلَا لَا خَيْرَ فِي قِرَاءَةِ لَيْسَ فِيهَا تَدَبُّرٌ»^۵ (Kolayni, 1407, 1: 36) خواندن بدون تدبیر قرآن را بدون خیر و برکت معرفی می‌کند؛ این در حالی است که لازمه تدبیر، قابل درک بودن قرآن است.

ج. روایاتی از معصومان (ع) — همچون روایت پیامبر (ص) که می‌فرماید «فَإِذَا التَّبَسَّتْ عَلَيْكُمْ الْفِتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ»^۶ (Kolayni, 1407, 2: 599) و کلام امام صادق (ع) که فرمود «كُلُّ حَدِيثٍ لَا يُوَافِقُ كِتَابَ اللَّهِ، فَهُوَ زُخْرُفٌ»^۷ (Kolayni, 1407, 1: 69) — وجود دارد که قرآن را معیار معرفی می‌کند و لزوم تمسک به قرآن را هنگام فتنه‌ها یا برای ارزیابی روایات صحیح از ضعیف بیان می‌کند (برای مشاهده روایتی دیگر با همین مضمون ر.ک: Majlesi, 1403, 2: 244).

راهبرد هدایتی واژه «نَزَلَ»

۱. تجلی یافتن قرآن در قالب الفاظ و عبارات، افزون بر این که برای تحقق هدایت‌یافتگی انسان‌ها است، نشانه تواضع قرآن است که از جایگاه با عظمت ام‌الکتاب، در سطح فهم مخاطب برای انسان‌ها نازل شده است؛ همچنین رسم هدایت‌گری چنین است که انسان به اندازه عقل و ادراک مخاطب خود مطالب را ارائه دهد. بر اساس روایت امام صادق (ع) که فرمود «مَا كَلَّمَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) الْعِبَادَ بِكُنْهِ عَقْلِهِ قَطُّ، وَقَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص) إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أَمَرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَىٰ قَدْرِ عُقُولِهِمْ»^۸ (Kolayni, 1407, 1: 23)، پیامبر اسلام (ص) پیوسته در سطح فهم مردم سخن می‌گفت.

امروزه، رمز جدا افتادن مدیران و مسئولان مؤسسات و شرکت‌ها از نیروهای انسانی خود، عدم توانایی در تعاملات اجتماعی به دلیل درک نادرست از مخاطب است. برقراری ارتباط و ایجاد تفاهم، درس بزرگی است که باید از قرآن کریم آموخت.

۱. بقره (۲)، ۲.

۲. اسراء (۱۷)، ۹.

۳. بقره (۲)، ۲۳: «اگر در آنچه بر بنده خود نازل کرده‌ایم شک دارید، پس اگر راست می‌گویید سوره‌ای مانند آن بیاورید».

۴. محمد (۴۷)، ۲۴: «آیا در قرآن تدبیر نمی‌کنند یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟».

۵. بدانید که در قرآن خواندنی که با تدبیر همراه نباشد، خیری نیست.

۶. هرگاه آشوب‌ها چون شب تار شما را فرا گرفت، به قرآن رو آورید او بدان چنگ بزنید!

۷. هر حدیثی که موافق قرآن نباشد، دروغی است خوش‌نما.

۸. هیچ‌گاه پیامبر (ص) از عمق عقل خویش با مردم سخن نگفت؛ بلکه می‌فرمود: ما گروه پیامبران مأموریم که با مردم به اندازه عقل خودشان سخن بگوییم.

نوآوری و ابتکار

واژه «أَحْسَنَ الْحَدِيثِ» در آیه ۲۳ سوره زمر دلالت بر اهمیت نوآوری و ابتکار در راهبردهای هدایتی منابع انسانی دارد. حدیث در لغت یعنی چیز نو و تازه‌ای که قبلاً وجود نداشته است (Dehkhoda, 1385, 1: 1011). قرآن کریم نیز به علت تازه بودن، در آیه «فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِثْلِهِ» حدیث نامیده شده است (Ghorashi Banayi, 1412, 2: 112).

انواع نوآوری

نوآوری بر دو نوع ممدوح و مذموم است. نوآوری مذموم همان بدعت در دین و وضع حکمی خلاف حکم خدا و شریعت است؛ اما نوآوری در غیر مسائل دینی ممدوح و پسندیده می‌باشد.

نوآوری‌های قرآن

قرآن کریم در دو عرصه دارای نوآوری و ابتکار است:

۱. نوآوری ساختاری

ساختار قرآن بگونه‌ای دارای ادبیات بدیع است که توانسته عالی‌ترین معانی و مفاهیم را در قالب حروف الفبای ساده بیاورد و هیچ‌کس قادر به آوردن آن نباشد. نوآوری به حدی بود که بر اساس آیه «فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلاَّ سِحْرٌ يُؤْتَرُ» کافران آن را سحر نامیدند. این نوآوری همان فصاحت و بلاغتی است که به تفصیل در علوم قرآنی از آن بحث شده است.

۲. نوآوری محتوایی

ا. ژرفایی و عمق محتوایی قرآن به قدری وسیع و گسترده است که هر اندازه اندیشمندان از آن استخراج موضوع داشته باشند، همچنان ناگفته‌های فراوانی باقی است. علامه طباطبایی ذیل آیه ۱۰۲ سوره بقره می‌فرماید در این آیه نزدیک به یک میلیون و دویست و شصت هزار معنا محتمل است (Tabatabayi S, 1422, 1: 353).

کلام امام رضاع) که فرمود «خداوند قرآن را برای زمان و عصر خاصی نازل نکرده است؛ بلکه دلیل و برهان و حجت بر هر انسانی است. هیچ باطلی از پیش رو و پشت سرش به سویش نمی‌آید» (Majlesi, 1403, 89: 14) گواه بر نوآوری محتوایی قرآن است.

وجه دیگر اعجاز محتوایی قرآن این است که قرآن برای تمام لحظات زندگی فرد سخن می‌گوید و هیچ‌گاه سخن کهنه و دل‌آزار بیان نمی‌کند؛ برای مثال، برای انسان بیمار نیز پند و اندرز دارد؛^۱ همچنین بیان برخی اخبار غیبی و خبرهای آینده نیز نشان‌دهنده نوآوری محتوایی قرآن است؛ از جمله خبر دادن از مرگ ابولهب و همسرش در حالت کفر، پیروزی امپراتوری روم بر

۱. طور (۵۲)، ۲۴.

۲. مدثر (۷۴)، ۲۴: «قرآن، چیزی جز سحری همچون سحرهای پیشینیان نیست».

۳. شعراء (۲۶)، ۸۰؛ اِسراء (۱۷)، ۸۲.

ایران، فتح مکه،^۲ و نیز اشاره قرآن به برخی مطالب علمی مانند زوجیت در عموم جانوران و گیاهان،^۳ نیروی جاذبه،^۴ نیروی بودن زمین^۵... نشانگر نوآوری محتوایی قرآن است.

راهبرد هدایتی واژه «احسن الحدیث»

نیروی انسانی توانمند باید در مسیر انجام وظیفه، از نوآوری، ابتکار و خلاقیت بهره‌مند باشد؛ علاوه بر آن، باید وظیفه خود را به نحو احسن به انجام برساند؛ زیرا خداوند متعال بر اساس آیه «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ»^۶ احسن الخالقین است و در آیات «جَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۷ و «إِدْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ»^۸ به آن دستور داده است.

قانون‌مند و منظم

واژه «کِتَابًا» در آیه ۲۳ سوره زمر دلالت بر نقش قانون‌مندی، نظم و ثبات در راهبردهای هدایتی دارد. در قرآن کریم عنوان «کتاب» برای مصادیق زیر به کار رفته است:

ا. مجموعه قوانین و احکامی که رهاورد رسالت انبیای اولوالعزم است؛ «فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ»^۹.

ب. جایگاه ثبت عقاید و اخلاق و اعمال انسان‌ها؛ «وَكُلَّ إِنْسَانٍ أَلْزَمْنَاهُ طَائِرَهُ فِي عُنُقِهِ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا»^{۱۰}.

ج. دست‌نوشته‌های بشری؛ «وَلَا تَعْرَمُوا عُقْدَةَ النَّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابَ أَجَلَهُ»^{۱۱}.

د. جایگاه ثبت حقایق امور هستی؛ «مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنْفُسِكُمْ إِلَّا فِي كِتَابٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا»^{۱۲}.

۱. روم (۳۰)، ۲-۵.

۲. فتح (۴۸)، ۲۷.

۳. یس (۳۶)، ۳۶.

۴. رعد (۱۳)، ۲.

۵. صافات (۳۷)، ۵.

۶. سجده (۳۲)، ۷: «او همان کسی است که هر چه را آفریده نیکو آفریده است».

۷. نحل (۱۶)، ۱۲۵: «با آن‌ها به بهترین روش، استدلال و مناظره کن».

۸. مؤمنون (۲۳)، ۹۶: «بدی را به بهترین شیوه و روش پاسخ بده».

۹. بقره (۲)، ۲۱۳: «خداوند پیامبران را بشارت‌دهنده و بیم‌دهنده برانگیخت، و با آنان، کتاب آسمانی را که به سوی حق دعوت می‌کرد، نازل نمود».

۱۰. اسراء (۱۷)، ۱۳: «کارنامه هر انسانی را به گردش آویخته‌ایم، و روز قیامت، کتابی برای او بیرون می‌آوریم که آن را در برابر خود گشوده می‌بیند! این، همان نامه اعمال او است».

۱۱. بقره (۲)، ۲۲۵: «اقدام به ازدواج نکنید، تا زمان تعیین و نوشته شده (عده) سرآید».

۱۲. حدید (۵۷)، ۲۲: «هیچ مصیبتی در زمین و در وجود شما روی نمی‌دهد، مگر آن که قبل از وقوع، در کتابی (لوح محفوظ) ثبت است».

راهبرد هدایتی واژه «کتاب»

در مفهوم «کتاب» نوعی ثبات و نظم نهفته است؛ از این رو آنچه نیروی انسانیِ کاردان به عنوان منبع از آن استفاده می‌کند، باید مدون و دارای ثبات باشد؛ زیرا واژه کتاب نشان‌دهنده بقا و مانع از هرج و مرج است. افزون بر قرآن، پیامبر اکرم(ص) نیز در روایت «فَيَدُّوا الْعِلْمَ بِالْكِتَابِ»^۱ (Majlesi, 1403, 58: 124) مؤمنان را به ثبت و ضبط امور تشویق می‌نماید؛ البته این نیروی انسانی علاوه بر این که باید دارای منبعی مدون و باثبات باشد، گفتار و کردار او نیز باید همچون کتاب ضابطه‌مند و منظم باشد.

تشابه و همسانی

واژه «مُتَشَابِهًا» در آیه ۲۳ سوره زمر، نمایانگر یکی دیگر از راهبردهای هدایتی قرآن کریم است. تشابه در قرآن به دو معنا به کار رفته است:

أ. چند پهلوی، در برابر محکم؛ «مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخْرُ مُتَشَابِهَاتٌ»^۲.

ب. همگون و هماهنگ و بدون اختلاف؛ «اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُتَشَابِهًا»^۳.

متشابهات طبق معنای اول، زمینه ساز فتنه‌انگیزی است؛ به همین دلیل، بر اساس آیه «فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَابَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ»^۴ (Harrani, 1404: 155) منشأ فتنه‌ها را شبهات معرفی می‌کند.

به بسیاری از فرقه‌های انحرافی، نشأت گرفته از بدفهمی و کج‌فهمی آیات متشابه است؛ از این رو وجود این نوع متشابهات، نیاز شدید مردم را به پیشوایان الهی روشن می‌سازد.

وجود تشابه در قرآن طبق معنای اول، امری طبیعی و اقتضای ادبیات گفتاری است و از باب «إِنَّ الْقُرْآنَ يَفَسَّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا»^۵ (Majlesi, 1403, 54: 218) به وسیله محکمت و راسخان در علم تفسیر می‌شود؛ اما تشابه طبق معنای دوم، سند اعجاز قرآن است که علی‌رغم نزول قرآن در مدت ۲۳ سال، صدر و ذیل این کلام کاملاً همسان و همگون است و از هر نوع ناهماهنگی پیراسته است و کوچک‌ترین تضاد و لغزش در آن یافت نمی‌شود.

۱. بقره (۲)، ۲۸۲.

۲. دانش را با کتابت، در بند [خود] درآوردید.

۳. آل عمران (۳)، ۷: «قسمتی از کتاب آسمانی، آیات محکم (صریح و روشن) است؛ آن‌ها اساس این کتاب می‌باشند، و قسمتی از آن، متشابه (چند پهلوی) است.»

۴. زمر (۳۹)، ۲۳: «خداوند بهترین سخن را نازل کرده؛ کتابی که آیاتش [از نظر لطف، زیبایی، عمق و محتوا] همانند یکدیگرند.»

۵. آل عمران (۳)، ۷: «آن‌ها که در قلوبشان انحراف است، به دنبال متشابهاتند، تا فتنه‌انگیزی کنند.»

۶. از شبهه‌ها بهره‌ییزد که ایجادکننده فتنه‌ها است.

۷. آل عمران (۳)، ۷.

راهبرد هدایتی واژه «متشابهاً»

طبق این واژه، نیروی انسانی موفق باید از هرگونه تضاد و تعارض محفوظ بوده تا هدف هدایتی او در تمام ابعاد زندگی و کار برای وی محقق شود؛ امام صادق(ع) در روایت «إِنَّ الْعَالِمَ إِذَا لَمْ يَعْمَلْ بِعِلْمِهِ زَلَّتْ مَوْعِظَتُهُ عَنِ الْقُلُوبِ كَمَا يَزِلُّ الْمَطْرُ عَنِ الصَّفَا» (Kolayni, 1407, 1: 44)، رمز تأثیرگذاری انسان‌ها را انطباق گفتار بر رفتارشان برمی‌شمرد؛ همچنین آن امام، در حدیث «كُونُوا دُعَاةَ النَّاسِ بِأَعْمَالِكُمْ، وَ لَا تَكُونُوا دُعَاةً بِالسِّنِّتِكُمْ»^۳ (Hemyari, 1413: 77)، تأکید بر هدایتگری دیگران با اعمال و کردار درست دارد که حاصل همگونی و هماهنگی گفتار و کردار خواهد بود.

تکرار شوق‌انگیز

از واژه «مَثَانِي» یکی دیگر از راهبردهای هدایتی قرآن را برای بهسازی منابع انسانی درمی‌یابیم. قرآن کریم در آیه ۲۳ سوره زمر برای اولین بار در معرفی خود از تعبیر «مَثَانِي» استفاده کرده است. «مَثَانِي» جمع «مَثْنِيه» است که به معنای معطوف است (Tabatabayi S, 1422, 17: 256) و منظور از آن تکراری است که در هر عصر و زمان تجلی تازه‌ای پیدا می‌کند. در این آیه، قرآن را «مَثَانِي» نامیده، چراکه برخی از آیاتش انعطاف به برخی دیگر دارد، و هریک دیگری را تفسیر و شرح می‌دهد، بدون این‌که همدیگر را نفی و دفع کنند و اختلافی در آن‌ها دیده شود (Tabatabayi S, 1422, 17: 256)؛ همان‌طور که می‌فرماید: «أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ وَ لَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا»^۴.

قرآن کریم، بنا بر آیه «كِتَابٌ أَحْكَمَتْ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ»^۵ حقیقت واحدی است که در راستای هدایت نازل شده و وحدت محتوا، اصل اساسی در آن است؛ یعنی در مقابل کثرت و تفصیل، دارای استحکام و یکپارچگی است؛ افزون بر آن، از اصول مهم فصاحت این است که سخن برای عمق بخشیدن به جان‌ها، به صورت تازه و جذاب تکرار شود؛ مانند بسیاری از داستان‌ها، مواعظ و اندرزهای ذکر شده در قرآن کریم.

یکی از روش‌های قرآن کریم برای فهم بشر نسبت به حقایق والا این است که از هر چیزی مثلی زده است و آن مثل، همتایی برای آن حقیقت در قرآن است؛ برای مثال، در آیه «مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ أُكْلُهَا دَائِمٌ وَ ظِلُّهَا»^۶ به توصیف بهشت مؤمنان می‌پردازد. همچنین آیات قرآن در یک تکرار مفهومی هدفمند و شوق‌انگیز، یک‌دیگر را تصدیق و تفسیر می‌کنند؛ روایات «كِتَابُ اللَّهِ يُصَدِّقُ بَعْضُهُ بَعْضًا» (Majlesi, 1403, 10: 122)، «الْقُرْآنُ يُفَسِّرُ بَعْضُهُ بَعْضًا» (Majlesi, 1403, 54: 218) و «يَشْهَدُ بَعْضُهُ عَلَى بَعْضٍ» (Razi, 1414: 192) گویای این مهم هستند.

۱. اگر عالم به علم خود عمل نکند، اندرز از دل‌های شنوندگان بلغزد؛ چنان‌که باران از سنگ صاف بلغزد.

۲. مردم را با اعمال خود به نیکی‌ها دعوت کنید، نه با زبان‌های خود.

۳. نساء (۴)، ۸۲: «آیا درباره قرآن نمی‌اندیشند؟! اگر از سوی غیر خدا بود، اختلاف فراوانی در آن می‌یافتند».

۴. هود (۱۰)، ۱. «کتابی است که آیات آن استحکام یافته، سپس از جانب حکیمی آگاه به روشنی بیان شده است».

۵. رعد (۱۳)، ۳۵: «وصف بهشتی که به پرهیزگاران وعده داده شده [این است که] از زیر [درختان] آن نهرها روان است. میوه و سایه‌اش پایدار است».

در برخی روایات، از «مثنای» تعبیر به اهل بیت (ع) به معنای نسخه دوم و تجلی عملی قرآن شده است؛ امام کاظم (ع) در روایت «نَحْنُ الْمَثَانِي الَّتِي أُوتِيَهَا رَسُولُ اللَّهِ (ص)» (Saffar, 1404, 1: 66) و امام صادق (ع) در روایت «نَحْنُ الْمَثَانِي الَّتِي أُعْطَاهُ اللَّهُ نَبِيْنَا مُحَمَّدًا (ص)» (Kolayni, 1407, 1: 143)، اهل بیت (ع) را مثنای یعنی همدوش قرآن معرفی می کنند؛ همان گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمود: دو چیز گرانبها را در میان شما می گذارم (Al-Helali, 1405, 1: 17)؛ در حقیقت، اهل بیت (ع) تنها کسانی هستند که با نسخه اصلی قرآن کریم ارتباط دارند؛ چراکه بر اساس آیه «لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»، لجز پاکان نمی توانند به قرآن کریم و فهم آن دست یابند.

راهبرد هدایتی واژه «مثنای»

روح قرآن یک سخن بیش نیست، و آن سخن، «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ تَفْلِحُوا» (Majlesi, 1403, 18: 202) است که در سوره حمد تجسم یافته است. روح سوره حمد یک دعا است، و آن دعا، «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ» است؛ اما حقیقت این هدایت، در بیش از شش هزار آیه و با تعبیر گوناگون مکرراً بیان شده است. نکته مهم این است که این تکرارها با هدف تثبیت و تأثیر، بیان شده و کمتر ملال و خستگی در آنها وجود دارد. زندگی نیز سرا سر تکرار است، و نیروی انسانی کارآموده در تمام شئون زندگی خصوصاً در محیط کار باید به گونه ای عمل کند که تکرارهای زندگی، نه تنها ملال و خستگی در او بوجود نیورد، بلکه شوق انگیز و امیدآفرین باشند.

اثرگذاری

واژه «تَقْشَعِرُّ» در آیه ۲۳ سوره زمر دلالت بر ضرورت اثرگذاری هدایت دارد. هر آیه قرآن، حجت و نوری است که بنا بر آیه «إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَّتْ قُلُوبُهُمْ» و «إِذَا تَلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا» می تواند بر ایمان بیفزاید و ترسی که از آنها در دل پدید می آید، اگر از معرفت سرچشمه بگیرد پسندیده است و سبب آرامش می گردد (Gharaati, 1388, 4: 271)؛ «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ»؛ بنابراین، خوف و خشیت الهی مبارک است و سبب بیداری انسان ها است.

بر اساس آیه «لَوْ أَنْزَلْنَا هَذَا الْقُرْآنَ عَلَى جَبَلٍ لَرَأَيْتَهُ خَاشِعًا مُتَصَدِّعًا مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ» حقایق والای قرآن به اندازه ای است که وقتی بر کوه متجلی می شود، آن را متلاشی می سازد. اَسْمَاءُ بِنْتُ عُمَيْسٍ می گوید: هنگامی که قرآن بر یاران پیامبر (ص) تلاوت می شد «تَدْمَعُ أَعْيُنُهُمْ وَ تَقْشَعِرُّ جُلُودُهُمْ» (Makarem Shirazi, 1421, 15: 66)؛ یعنی چشم هایشان اشک بار می شد و لرزه بر اندامشان می افتاد.

۱. ما اهل بیت، دومین چیزی هستیم که خداوند آن را به پیامبرش داده است.

۲. ما بیم آن مثنای که خدا به پیغمبر ما محمد (ص) عطا فرموده است.

۳. واقعه (۵۶)، ۹: «جز پاک شدگان بر آن دست نزنند».

۴. فاتحه (۱)، ۶: «ها را به راه راست هدایت کن».

۵. انفال (۸)، ۲: «مؤمنان، همان کسانی هستند که چون خدا یاد شود دل هایشان بترسد، و چون آیات او بر آنان خوانده شود بر ایمانشان بیفزاید».

۶. حدید (۵۷)، ۱۶: «آیا برای کسانی که ایمان آورده اند هنگام آن نرسیده که دل هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد».

۷. اگر این قرآن را بر کوهی فرومی فرستادیم، یقیناً آن [کوه] را از بیم خدا فروتن [و] از هم پاشیده می دیدی.

خداوند سبحان با بیان آیات خوفانگیز همچون آیه «ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ» برای تو صیغ جهنم، و آیه «وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَاوْدُهَا كَانَ عَلَى رَبِّكَ حَتْمًا مَقْضِيًّا» برای قطعی بودن حکم جهنم، قصد تأثیرگذاری بر انسان‌ها را دارد.

راهبرد هدایتی واژه «تَقْشَعِرُ»

همان‌گونه که قرآن با تعبیر گوناگون، انواع تأثیرگذاری‌های فکری، روحی، روانی و رفتاری را بر مخاطب خود ایجاد کرده، نیروی انسانی حاذق نیز باید به گونه‌ای عمل کند که در فکر و روح و رفتار مراجعان و مخاطبان خود بتواند تأثیرگذار باشد؛ البته کمیّت و کیفیت تأثیرگذاری، به قابلیت‌ها و توانایی‌های انسان در ابعاد گوناگون بستگی دارد. اساسی‌ترین مواردی که در اثرگذاری مؤثرند، خصوصیات روحی و معنوی همچون حسن معاشرت، اخلاق پسندیده، اراده محکم، توان و آگاهی علمی بالا است.

آرامش

واژه «تَلِينُ» در آیه ۲۳ سوره زمر، بر لزوم آرامش‌دهندگی هدایت بر مخاطب دلالت دارد. در چارچوب قیاس منطقی می‌توان گفت: «قرآن، ذکر خدا است» (إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ)،^۱ و «ذکر خدا، آرامش می‌دهد» (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ)؛^۲ «پس، قرآن آرامش می‌دهد».

آرامش‌دهندگی قرآن متفاوت از سایر آرامش‌ها است؛ چراکه آرامش بر سه قسم است: «آرامش کاذب» که حاصل از غفلت و گناه است. «آرامش سطحی» که در پناه نعمت‌های مادی تحقق می‌یابد؛ زیرا هر نعمتی می‌تواند تسکین موقتی به صاحب خود عطا کند. «آرامش عمیق» که در پناه خداوند متعال حاصل می‌شود؛ چراکه آیات قرآن کریم تأثیر و نفوذ عمیقی در جان آدمیان دارد. امام علی(ع) در نهج‌البلاغه این حقیقت را به عالی‌ترین وجه توصیف نموده است (Razi, 1414: 304).

راهبرد هدایتی واژه «تَلِينُ»

نیروهای انسانی نیز برای تأثیرگذاری بر مخاطب و نفوذ به او، افزون بر آرامش فردی باید با بهره‌گیری از ابزارهای متحول‌کننده و جذاب و تقویت معنویت، تحقق آرامش در مخاطبان خود را تضمین کنند؛ مانند فضیل بن عیاض که سارق بود، اما با شنیدن آیه «أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ»،^۳ دزدی را کنار گذاشت و دچار تحولی عظیم شد و در جرگه زاهدان و عارفان مسلمان، به آرامش عمیق ابدی دست یافت. رسیدن به اهداف سازمان‌ها و پیشرفت، بستگی به توانایی نیروها و کارکنان در ایجاد آرامش در محیط متغیر سازمان و انطباق و سازگاری با شرایط گوناگون دارد.

۱. الحاقه (۶۹)، ۳۲: «سپس او را در زنجیری که طول آن هفتاد ذرع است محکم ببندید».

۲. مریم (۱۹)، ۷۱: «هیچ‌کس از شما نیست مگر [این‌که] در آن وارد می‌گردد. این [امر] همواره بر پروردگارت حکمی قطعی است».

۳. حجر (۱۵)، ۹.

۴. رعد (۱۳)، ۲۸.

۵. حدید (۵۷)، ۱۶: «آیا برای کسانی که ایمان آورده‌اند هنگام آن نرسیده که دل‌هایشان به یاد خدا و آن حقیقتی که نازل شده نرم [و فروتن] گردد».

نتیجه‌گیری کلی

در این پژوهش بر اساس آیه ۲۳ سوره زمر، راهبردهای هدایتی قرآن برای بهسازی منابع انسانی مورد بررسی و بازشناسی قرار گرفت که طبق فراز پایانی آیه که می‌فرماید «ذَلِكْ هُدَى اللَّهِ يَهْدِي بِهِ مَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُضَلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ» می‌توان چنین نتیجه گرفت:

۱. «ذَلِكْ»، اشاره به راهبردهای هشتگانه‌ای دارد که اشاره شد و مفهومی آن است که هدایت‌های الهی از این سنخ بوده و نیروهای انسانی باید سبک زندگی و تربیت خود را بر این روش ادامه دهند.

۲. هدایت، منحصرًا حق خداوند است. در آیه «قُلْ إِنْ هَدَى اللَّهُ هُوَ الْهَادِي»^۱ نیز تنها، هدایت خدا به عنوان هدایت واقعی معرفی شده است.

۳. اگر انسان بر انحراف خود اصرار ورزد، خداوند توفیق و رحمت خود را از او سلب کرده و ضلالتش را تثبیت می‌نماید؛ از همین رو است که در آیه «فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ»^۲ می‌فرماید «خداوند گروهی را هدایت کرد، و گروهی ضلالت و گمراهی، دامانشان را گرفت».

۴. نتیجه ضلالت اختیاری، بسته شدن و تنگی قلب است؛ آیه «وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آثِمٌ قَلْبُهُ»^۳ گواه بر این مطلب است.

۵. ضلالت، فعل خدا نیست؛ بلکه بر اساس آیات «أَفَرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ»^۴ و «وَمَنْ يَعَصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا»^۵ مجازاتی است برای برخی انسان‌ها که به سبب نافرمانی و با علم و اراده خویش، راه انحرافی را انتخاب می‌کنند.

در نتیجه، به سازی منابع انسانی — به عنوان یک مزیت رقابتی برای سازمان‌ها — در گروهی ابتکار، نوآوری، تقویت انگیزه، قانونمندی و آرامش کارکنان است. تأثیر این راهبردها در عواملی همچون عدم تمایل به ترک خدمت، افزایش رضایت شغلی و یکی شدن اهداف سازمان و نیروی انسانی دیده خواهد شد. طبیعتاً می‌توان بهبود بازده و افزایش اثربخشی و رشد بهره‌وری سازمان را انتظار داشت.

^۱ زمر (۳۹)، ۲۳: «این هدایت الهی است که هرکس را بخواهد با آن راهنمایی می‌کند، و هرکس را خداوند گمراه سازد، راهنمایی برای او نخواهد بود».

^۲ بقره (۲)، ۱۲۰: «در حقیقت، تنها هدایت خدا است که هدایت [واقعی] است».

^۳ نحل (۱۶)، ۳۶.

^۴ بقره (۲)، ۲۸۳: «هرکس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است».

^۵ جائیه (۴۵)، ۲۳: «آیا دیدی کسی را که هوای نفس خویش را معبود خود قرار داده و خداوند او را با آگاهی [بر این‌که شایسته هدایت نیست] گمراه ساخته است».

^۶ احزاب (۳۳)، ۳۶: «هرکس نافرمانی خدا و رسولش را کند، به گمراهی آشکاری گرفتار شده است».

Analyzing the guiding strategies of the Qur'an to improve human resources

Abstract

Introduction: The main purpose of presenting this article is to prevent losses caused by human resources by minimizing the existing challenges through recognizing and promoting the guiding strategies of the Holy Quran to improve human resources.

Methods: The research method in this research is descriptive and analytical, and its contents are collected in a library and using internet resources.

Findings: In this article, guidance strategies of the Holy Quran to improve human resources were extracted from verse 23 of Surah Zammar and analyzed in order to improve efficiency and increase the effectiveness and productivity of organizations. Strategies such as:

Results: The Holy Quran has provided various guidance strategies to organize and organize human resources and solve existing problems and challenges. Improving human resources allows employees to effectively continue their activities in line with organizational transformations and environmental changes and increase their efficiency and usefulness.

Keywords: Guidance, Guidance strategies, Human resources, Manpower, Improving human resources.

منابع

- A group of scholars. 1363. Al-Osul As-Settata Al-Ashar. Qom. Dar Ash-Shabastari, 175p.
- Al-Helali. S. 1405. Books of Solaim. Qom. Al-Hadi, 1045p.
- EbneGoulavayh. J. 1356. Kamel Az-Ziyarat. Najaf. Dar Al-Mortazaviyah, 368p.
- Dehkhoda. A. 1377. Dictionary. Tehran. University of Tehran.
- Gharaati. M. 1388. Tafsir Noor. Tehran: Markaz Farhangi Darshayi Az Quran.
- Ghorashi Banayi. A. 1412. Ghamuse Quran. Tehran. Dar Al-Kotob Al-Eslamiyeh.
- Helli. A. 1407. Oddat Ad-Daee va Najah As-Saee. Qom. Dar Al-Kotob Al-Eslami, 344p.
- Hemyari. A. 1413. Ghorb Al-Esnad. Qom. Aal Al-Bayt, 579p.
- Harrani. H. 1404. Tohaf Al-Oghul An Aal Al-Rasul. Qom. Jamea Modarresin, 515p.
- Javadi Amoli. A. 1388. Hedayat Dar Quran. Qom. Esra, 448p.
- Kolayni. M. 1407. Al-Kafi. Tehran. Dar Al-Kotob Al-Eslamiyeh.
- Majlesi. M. 1403. Behar Al-anvar. Beirut. Dar ehya Al-toras Al-arabi.
- Makarem Shirazi. Naser. 1421. Al-Amsal fi Tafsir Ketab Al-lah Al-Monzal. Qom. Madrese Imam Ali.
- Moeen. M. 1363. Moin Persian dictionary. Tehran. Amir Kabir.
- Qomi. A. 1395. Dictionary of Quranic words. Tehran. Sazman Tablighat Eslami, 320p.
- Qomi Mashhadi. M. 1368. Tafsir Kanz Ad-Daghegh va Bahr Al-Gharaeb. Tehran. Vezarat Farhang va Ershad Eslami.
- Razi. M. 1414. Nahjul Balagha Qom. Hejrat, 853p.
- Saffar. M. 1404. Basaer Ad-Darajat. Qom. Ayatollah Murashi Najafi library, 575p.
- Tabatabayi. S. 1422. Al-Mizan fi Tafsir Al-Quran. Qom. Jamea Modarresin.
- Tamimi Amadi. A. 1410. Ghorar Al-Hekam va Dorar Al-Kalem. Qom. Dar Al-Ketab Al-Eslami, 840p.